MEJDS. 2021; 11:44.

Published online 2021 June. **Original Article**

Mediating Role of Neuroticism in the Relationship Between Romantic Attachment Styles and Mutual Relationships in Couples Referring to Divorce Centers

Eisapour Haftkhani M[1], *Dousti Y[1], Donyavi R[2]

Author Address
1. Department of Psychology, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran;
2. Department of Psychology, Neka Branch, Islamic Azad University, Neka, Iran.
***Corresponding author's email:** Yarali.Dousti@yahoo.com

Received: 2019 October 23; **Accepted:** 2020 January 7

Abstract

Background & Objectives: Among various factors that threaten marriage, extramarital relationships have become of increasing interest to researchers. Extramarital relationships of any secret romantic or sexual activity suggest that it occurs while the individual is in a completely private relationship, like marriage. The relationships in the foregoing relationships were found that each of them could be influenced by personality traits. Anxiety and neuroticism were also among the personality traits identified with fear, anxiety, malice, despair, hostility, and loneliness. The present study aimed to investigate the mediating role of neuroticism in the relationship between romantic attachment styles and extramarital relationships among couples who are seeking a divorce. We used modeling respecting the relationships between the study variables.
Methods: This descriptive-correlational research employed a structural equation modeling. The statistical population of this study included all couples referring to divorce counseling centers in districts 1, 2, 3, and 4 in Tehran City, Iran, in 2019. Furthermore, according to the number of observed variables and the allocation of the coefficient of 20 per observed variable (13 variables observed in the model), 270 subjects were selected as the study sample by purposive sampling method. The inclusion criteria of the study included female gender, referring to districts 1, 2, 3, and 4 of Tehran, referring to divorce centers for counseling, being married, declaring consent to cooperate in the study, and not presenting biopsychological problems according to the study participants' self-report. The exclusion criterion of the study included providing incomplete questionnaires. Data collection tools were the Extramarital Relationships Questionnaire (Glass and Wright, 1992), Behavioral Systems Questionnaire-Revised (Farman & Wehner, 1999), and NEO Five-Factor Inventory-Revised (NEO-FFI) (McCurry and Costa, 1992). Mean and standard deviation indices were used to present the obtained descriptive statistics; for inferential statistics, the research data were analyzed using Pearson correlation coefficient and path analysis in SPSS and AMOS at a significance level of 0.05.
Results: Safe attachment styles (β=-0.264, p<0.001), distressed (β=0.297, p<0.297), and discrete (β=0.191, p<0.001), as well as neuroticism (β=0.187, p<0.001) provided a direct and significant effect on extramarital affairs. Furthermore, secure attachment styles (β=-0.359, p<0.001), disturbed (β=0.331, p<0.001), and discrete (β=0.270, p<0.001) with the mediating role of neuroticism presented an indirect and significant effect on extramarital relationships. The calculated good fit indices revealed that neuroticism mediated the relationship between romantic attachment styles and extramarital relationships in the explored couples seeking divorce counseling. Additionally, the model for measuring the research variables was suitable ($\chi 2/df$= 2.748, CFI=0.957, GFI=0.993, NFI=0.963, RMSEA=0.42).
Conclusion: Based on the current study findings concerning the mediating role of neuropsychology in the relationship between romantic attachment styles and extramarital relationships in couples seeking a divorce, psychologists and consultants should pay attention to personality traits to reduce divorce rates.
Keywords: Neuroticism, Extramarital relations, Divorce, Attachment styles.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.13.2]

[DOI: 10.29252/mejds.0.0.13]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۴۰۰؛ (۱۱):۴۴.

انتشار برخط خرداد ۱۴۰۰ مقاله پژوهشی اصیل

نقش میانجی روان‌رنجوری در رابطهٔ بین سبک‌های دلبستگی عاشقانه با روابط فرازناشویی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز جهت طلاق

مرضیه عیسی‌پور هفتخوانی[۱]، *یارعلی دوستی[۲]، رضا دنیوی[۳]

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکترای روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران؛

۲. دکترای روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران؛

۳. دکترای روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد نکا، دانشگاه آزاد اسلامی، نکا، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** Yarali.Dousti@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱ آبان ۱۳۹۸؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۷ دی ۱۳۹۸

چکیده

زمینه و هدف: مراجعهٔ روزافزون مراجعان متقاضی طلاق به مراکز مشاوره و نیز گزارش‌های دادگستری، حاکی‌از افزایش و رشد رابطهٔ فرازناشویی به‌عنوان یکی از دلایل طلاق در کشور است؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی روان‌رنجوری در رابطهٔ بین سبک‌های دلبستگی عاشقانه و روابط فرازناشویی در میان زوجین مراجعه‌کننده جهت طلاق بود.

روش‌بررسی: روش پژوهش توصیفی_همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعهٔ آماری پژوهش حاضر را تمامی زوجین مراجعه‌کننده جهت طلاق به مراکز مشاورهٔ ادارهٔ دادگستری در مناطق ۱، ۲، ۳ و ۴ شهر تهران در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. برای تعیین حجم نمونه باتوجه به تعداد متغیرهای مشاهده‌شده و تخصیص ضریب ۲۰ برای هر متغیر مشاهده‌شده و با احتساب احتمال وجود پرسشنامه‌های ناقص، ۲۷۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه به‌روش هدف‌مند انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامهٔ روابط فرازناشویی (گلس و رایت، ۱۹۹۲)، پرسشنامهٔ بازنگری‌شدهٔ شیوه‌های رفتاری (فارمن و وهنر، ۱۹۹۹) و پرسشنامهٔ بازنگری‌شدهٔ شخصیت پنج‌عاملی نئو (مک‌کری و کاستا، ۱۹۹۲) بود. تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر با نرم‌افزارهای SPSS نسخهٔ ۱۸ و AMOS نسخهٔ ۲۳ در سطح معناداری ۰/۰۵ صورت گرفت.

یافته‌ها: سبک‌های دلبستگی ایمن ($p<۰/۰۰۱$، $\beta=-۰/۲۶۴$)، پریشان ($p<۰/۰۰۱$، $\beta=۰/۲۹۷$) و گسسته ($p<۰/۰۰۱$، $\beta=۰/۱۹۷$) و همچنین روان‌رنجوری ($p<۰/۰۰۱$، $\beta=۰/۱۸۷$) اثر مستقیم و معناداری بر روابط فرازناشویی داشتند. سبک‌های دلبستگی ایمن ($p<۰/۰۰۱$، $\beta=-۰/۳۵۹$)، پریشان ($p<۰/۰۰۱$، $\beta=۰/۳۳۱$) و گسسته ($p<۰/۰۰۱$، $\beta=۰/۲۷۰$) با میانجی‌گری روان‌رنجورخویی بر روابط فرازناشویی اثر غیرمستقیم و معناداری داشتند. همچنین مدل اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، مدلی مناسب بود ($\chi^2/df=۲/۷۴۸$، CFI=۰/۹۵۷، GFI=۰/۹۹۳، NFI=۰/۹۶۳، RMSEA=۰/۰۴۲).

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش مبنی بر نقش میانجی روان‌رنجوری در رابطهٔ بین سبک‌های دلبستگی عاشقانه با روابط فرازناشویی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز جهت طلاق، باید به ویژگی‌های شخصیتی افراد درکاهش میزان طلاق توجه داشت.

کلیدواژه‌ها: روان‌رنجوری، روابط فرازناشویی، طلاق، سبک‌های دلبستگی.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار_غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.13.2]

[DOI: 10.29252/mejds.0.0.13]

۱ مقدمه

از بین عوامل مختلفی که ازدواج را تهدید می‌کنند، روابط فرازناشویی به‌طور فزاینده‌ای مدنظر محققان قرار گرفته است. روابط فرازناشویی عامل مهم‌تر جدایی در ۱۶۰ فرهنگ مختلف شناسایی شده است (۱). رابطهٔ فرازناشویی، رخدادی شایع در ازدواج‌ها است و شیوع روابط فرازناشویی در ایالات متحدهٔ امریکا برای زنان بین ۲۶درصد تا ۷۰درصد و برای مردان بین ۳۳درصد تا ۷۵درصد گزارش شده است (۲). روابط فرازناشویی طیف وسیعی از رفتارها را شامل می‌شود. برای برخی بی‌وفایی زناشویی داشتن روابط جنسی خارج از ازدواج است؛ بقیه شامل رفتارهایی مثل سکس‌سایبری، تماشای پورنوگرافی، درجات مختلف صمیمیت جسمی و غیرجنسی و حتی صمیمیت عاطفی با فرد دیگر است که منجربه آسیب به رابطهٔ اولیه می‌شود (۳). رابطهٔ فرازناشویی به هر فعالیت رمانتیک یا جنسی مخفیانه گفته می‌شود و درحالی‌که فرد در رابطه‌ای کاملاً خصوصی مثل ازدواج قرار دارد، اتفاق می‌افتد (۴).

تحقیقات به بررسی عوامل و فرایندهای شناختی هیجانی مانند الگوهای دلبستگی مؤثر بر روابط زناشویی تأکید دارد (۵). تحقیقات در این زمینه بسیار اندک و محدود است؛ اما با نگاهی به ماهیت روابط عاشقانه درمی‌یابیم اساس آن برگرفته از دلبستگی افراد است که درهمه وجود دارد (۶). هر انسانی برای رسیدن به کمال و بالیدن نیاز به برقراری ارتباط عاطفی با دیگران دارد که این مهم در آغاز با والدین و در بزرگسالی با یک همسر امکان‌پذیر می‌شود (۷). سبک‌های دلبستگی از زمان خردسالی تا بزرگسالی وجود دارد. دلبستگی برای افراد قالب‌هایی را تشکیل می‌دهد که هرگونه آگاهی و دانسته‌هایی باید از آن گذر کند (۸). هرگونه تغییری در نظام دلبستگی توسط مدل فعال‌ساز درونی صورت می‌گیرد. نحوهٔ دلبستگی فرد در ارتباط با همسرش به دلبستگی او با والدینش در کودکی شبیه است. شاخص ارتباط توأم با دلبستگی، رسیدن به امنیت و تمایلات جنسی است؛ به‌گونه‌ای که فرد مقابل احساس نگرانی نکند (۹).

عشق، صمیمیت و رابطهٔ جنسی جنبه‌های درهم‌تنیدهٔ روابط نزدیک هستند که هرکدام می‌تواند باتوجه به صفات شخصیتی تحت‌تأثیر قرار گیرد (۱۰). روان‌رنجوری یا روان‌نژندی[1] یکی از صفات شخصیتی است که با ترس، اضطراب، بدخلقی، یأس، خصومت و احساس تنهایی شناخته می‌شود (۱۱). ویژگی‌های شخصیتی نیز شامل آن نوع خصوصیات روانی می‌شود که بسیاری از محرک‌ها و پاسخ‌ها را شبیه به‌هم می‌کند، ترجیح افراد را تعیین می‌کند و قضاوت و طیف پاسخ‌های رفتاری افراد را در شرایط پرفشار روانی توضیح می‌دهد (۱۲).

زوج‌ها در طی زندگی خود با تعارضات علاقه‌مندی و اغوای گزینه‌های دیگر مواجه می‌شوند که نیاز است دربرابر این تکانه‌های مخرب مقاومت نشان دهند. در چنین شرایطی برای رفتارکردن به شیوه‌ای سازنده، نیاز است که فرد انگیزش و نیز توانایی یک شریک ارتباطی خوب‌بودن را داشته باشد. تحقیقات اخیر نشان داده‌اند، این عامل یعنی توانایی کنترل، در حیطهٔ نگرش‌های منفی و ویژگی‌های شخصیتی مثبت مانند مسئولیت و وظیفه‌مداری قرار دارد (۴)؛ به‌عنوان مثال، هنگام برخورد با گزینه‌های جایگزین جذاب، افرادی با خودکنترلی بیشتر، دشواری کمتری در وفادارماندن گزارش می‌کنند و رفتارهای دلربایی (عشوه‌گری) کمتری به‌سمت گزینه‌های دیگر نشان می‌دهند؛ همچنین علاقهٔ کمتری به قرار ملاقات‌گذاشتن با دیگران جذاب ابراز می‌کنند (۱). ازآنجاکه روان‌رنجوری به‌تنهایی و به‌صورت مستقیم بر روابط فرازناشویی تأثیر دارد و سایر متغیرها ازطریق روان‌رنجوری بر روابط فرازناشویی اثر می‌گذارند، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی روان‌رنجوری در رابطهٔ سبک‌های دلبستگی عاشقانه و روابط فرازناشویی در میان زوجین مراجعه‌کننده جهت طلاق با استفاده از مدل‌یابی روابط بین متغیرها بود.

۲ روش‌بررسی

پژوهش حاضر، از لحاظ هدف، از نوع کاربردی و روش پژوهش توصیفی- همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعهٔ آماری پژوهش را تمامی زوجین مراجعه‌کننده جهت طلاق به مراکز مشاورهٔ ادارهٔ دادگستری در مناطق ۱، ۲، ۳ و ۴ شهر تهران در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. در زمینهٔ برآورد بهینه برای مطالعات مربوط به مدل‌یابی معادلهٔ ساختاری نظرات متفاوتی وجود دارد؛ ازجمله کلاین (۱۳) و لوهلین (۱۴) معتقدند حجم نمونهٔ کمتر از ۱۰۰ نامناسب و حجم‌های بیشتر از ۲۰۰ مطلوب است. برای سازگاری با الگوی معادلات ساختاری تعداد نمونه باید حداقل ۱۵ برابر متغیرهای مشاهده‌شده باشد (۱۵). در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه باتوجه به تعداد متغیرهای مشاهده‌شده و تخصیص ضریب ۲۰ برای هر متغیر مشاهده‌شده در مدل (۱) و نیز با احتساب احتمال وجود پرسشنامه‌های ناقص، ۲۷۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه به‌روش هدف‌مند (باتوجه به ملاک مراجعه‌کننده جهت طلاق به مراکز مشاورهٔ ادارهٔ دادگستری) انتخاب شدند. معیارهای ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش شامل جنسیت زن، مراجعه به مناطق ۱، ۲، ۳ و ۴ شهر تهران، مراجعه‌کننده جهت طلاق به مراکز مشاوره، متأهل، اعلام آمادگی به‌منظور همکاری در پژوهش و نداشتن مشکل جسمانی و روان‌شناختی طبق گفتهٔ افراد شرکت‌کننده بود. معیارهای خروج شرکت‌کنندگان از پژوهش شامل تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها بود. به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی در پژوهش به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آنان محرمانه می‌ماند و امکان خروج از مطالعه در هنگام تمایل فرد و رضایت آن‌ها وجود داشت.

در این پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شد.

- پرسشنامهٔ روابط فرازناشویی[2]: این پرسشنامه که توسط گلس و رایت در سال ۱۹۹۲ ساخته شد، دلیل‌تراشی‌های متداول افراد را برای درگیرشدن در روابط فرازناشویی می‌سنجد (۱۶). این پرسشنامه دارای ۱۷ گویه و ۴ زیرمقیاس توجیه عاطفی، توجیه عشقی، توجیه جنسی و انگیزه‌های بیرونی است. نمره‌گذاری آن براساس طیف ۴ قسمتی لیکرت است. به گزینه‌های «اصلاً قابل توجیه نیست»، «قابل توجیه نیست»، «تا حدی قابل توجیه است» و «کاملاً قابل توجیه است» به‌ترتیب نمرهٔ

[1]. Neuroticism

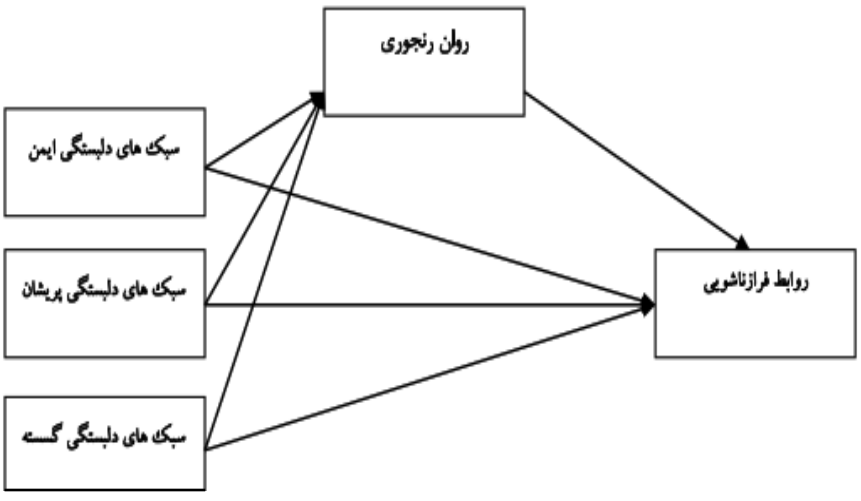
[2]. Extramarital Relationships Questionnaire

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.13.2]
[DOI: 10.29252/mejds.0.0.13]

۱تا۴ تعلق می‌گیرد. نمرات مقیاس‌ها از ۴تا۲۰ به‌دست می‌آید که نمرات کمتر در هر خرده‌مقیاس بیانگر میزان تأیید بیشتر پاسخ‌دهنده است (۱۶). برای بررسی روایی سازهٔ این مقیاس در نسخهٔ اصلی، همبستگی معناداری بین روابط فرازناشویی و گزارش‌های مبنی‌بر درگیری‌های عاطفی و جنسی فرازناشویی در مردان (r=۰/۵۵ و $p<۰/۰۰۱$) و در زنان (r=۰/۵۲ و $p<۰/۰۱$) به‌دست آمد. پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ گزارش شد (۱۶). در مطالعهٔ شریفی و همکاران، ضریب آلفای کرونباخ کل برای این پرسشنامه ۰/۹۴ به‌دست آمد و روایی آن نیز تأیید شد (۱۷).

ـ پرسشنامهٔ بازنگری‌شدهٔ شیوه‌های رفتاری[1]: پرسشنامهٔ شیوه‌های رفتاری توسط فارمن و وهنر در سال ۱۹۹۶ ساخته شد و سپس آن‌ها در سال ۱۹۹۹ در برخی خرده‌مقیاس‌ها بازنگری کردند (۱۸). این پرسشنامه که برای ارزیابی سبک‌های دلبستگی عاشقانه به‌کار می‌رود، دارای ۲۲ ماده است. این پرسشنامه میزان موافقت آزمودنی‌ها را با مجموعه‌هایی از حالت‌ها دربارهٔ اینکه افراد چه سبک دلبستگی را ممکن است در روابط عاشقانهٔ خود به‌کار بگیرند، نشان می‌دهد. پرسشنامه سه خرده‌مقیاس دلبستگی ایمن، دلبستگی پریشان و خرده‌مقیاس دلبستگی گسسته دارد که براساس طیف ۷درجه‌ای لیکرت شامل خیلی کم (۱)، کم (۲)، کم تا متوسط (۳)، متوسط (۴)، متوسط تا زیاد (۵)، زیاد (۶) و خیلی زیاد (۷) تنظیم شده است. در این پرسشنامه کمترین نمره ۲۲ و بیشترین نمره ۱۵۴ است (۱۸). در پژوهش فارمن و وهنر، آلفای کرونباخ نسخهٔ بازنگری‌شدهٔ پرسشنامه ۰/۸۵ گزارش شد و روایی آن نیز به تأیید رسید (۱۸). امان‌الهی و همکاران روایی پرسشنامه را بررسی و تأیید کردند؛ همچنین برای بررسی پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده کردند که برای سبک دلبستگی ایمن ۰/۶۴، سبک دلبستگی پریشان ۰/۵۴ و سبک دلبستگی گسسته ۰/۷۸ به‌دست آمد (۱۹). در مطالعهٔ حاضر نیز از نسخهٔ بازنگری‌شدهٔ پرسشنامه استفاده شد.

ـ پرسشنامهٔ بازنگری‌شدهٔ شخصیت پنج‌عاملی نئو[2]: مک‌کری و کاستا پرسشنامه‌ای را در سال ۱۹۸۵ با عنوان اختصاری (NEO) به معنای پرسشنامهٔ روان‌رنجوری‌ـ برون‌گرایی‌ـ گشودگی، برای اولین‌بار با ۱۸۱ سؤال تدوین کردند. در ادامه این دو پژوهشگر با بررسی‌هایی که در سال ۱۹۹۲ انجام دادند، توانستند دو پرسشنامه با تعداد سؤالات ۲۴۰ و ۶۰ سؤال برای اندازه‌گیری ویژگی‌های شخصیتی افراد تهیه کنند (۲۰). این پرسشنامهٔ بازنگری‌شده با ۶۰ سؤال که در این مطالعه نیز به‌کار رفت، ۵ ویژگی از ویژگی‌های شخصیتی افراد را می‌سنجد که این ویژگی‌ها عبارت است از: روان‌رنجورخویی؛ برون‌گرایی؛ بازبودن به تجربه؛ توافق؛ وجدانی‌بودن. هرکدام از این ویژگی‌ها در این آزمون با ۱۲ سؤال سنجیده می‌شود. شیوهٔ پاسخ‌دهی به این پرسشنامه به این صورت است که آزمودنی جواب را در طیفی ۵درجه‌ای از نوع لیکرت (کاملاً مخالفم (۱)، مخالفم (۲)، نظری ندارم (۳)، موافقم (۴) و کاملاً موافقم (۵)) انتخاب می‌کند (۲۰). در نسخهٔ اصلی ارائه‌شده در سال ۱۹۸۵، پایایی مقیاس‌های روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، بازبودن به تجربه، توافق و وجدانی‌بودن به‌روش آلفای کرونباخ به‌ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۳، ۰/۹۱، ۰/۷۶ و ۰/۸۶ گزارش شد (به نقل از ۲۱). در هنجاریابی این پرسشنامه که توسط علوی و همکاران روی نمونه‌ای با حجم ۲۰۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تبریز، شیراز و دانشگاه‌های علوم‌پزشکی این دو شهر صورت گرفت، ضریب همبستگی ۵ بعد اصلی بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ گزارش شد. ضرایب آلفای کرونباخ در هریک از عوامل اصلی روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، بازبودن به تجربه، توافق و وجدانی‌بودن به‌ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به‌دست آمد (۲۲). در این پژوهش متغیر روان‌رنجوری با استفاده از این پرسشنامهٔ بازنگری‌شده ارزیابی شد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

[1]. Behavioral Systems Questionnaire- Revised

[2]. NEO Five-Factor Inventory-Revised (NEO-FFI)

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.13.2]
[DOI: 10.29252/mejds.0.0.13]

۳ یافته‌ها

همان‌طور که در شکل ۱ نشان داده شده است، انواع سبک‌های دلبستگی در فرضیهٔ این مطالعه به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌اند و روابط ساختاری آن‌ها با درنظرگرفتن نقش متغیر روان‌رنجوری به‌عنوان متغیر میانجی بر متغیر وابستهٔ روابط فرازناشویی آزمون می‌شود.

در این پژوهش برای تجزیه‌وتحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده در آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار استفاده شد؛ همچنین در آمار استنباطی از آزمون کشیدگی و چولگی، جعبه‌ای، آزمون کولموگروف‌اسمیرنوف، آزمون همبستگی، شاخص‌های برازش، آزمون حداکثر درست‌نمایی و آزمون بوت‌استرپ و نرم‌افزارهای SPSS نسخهٔ ۱۸ و AMOS نسخهٔ ۲۳، در سطح معناداری ۰/۰۵ با ضریب اطمینان ۹۵درصد استفاده شد. در سنجش برازش مدل حداقل معیار پذیرفتنی شاخص RMSEA کمتر از ۰/۱، مقدار کای‌دو به درجهٔ آزادی کمتر از ۳ و میزان شاخص‌های GFI، CFI و NFI بزرگ‌تر از ۰/۹ است (۲۳).

در این پژوهش، از کل نمونه‌ها ۱۶۸ نفر زن و ۱۰۲ مرد بودند. میانگین سنی زنان ۰/۶۲۸±۳۴/۸۴ سال و مردان ۰/۷۷۱±۳۶/۲۷ به‌دست آمد و حداقل ۵ سال از زمان ازدواج آن‌ها گذشته بود. در زنان ۳۷/۵درصد آنان یعنی تعداد ۶۳ نفر مدرک دیپلم و کمتر، حدود ۵۲درصد یعنی ۸۷ نفر مدرک کارشناسی و حدود ۱۰/۵درصد یعنی ۱۸ نفر مدرک کارشناسی‌ارشد و بیشتر داشتند. در مردان حدود ۵۲درصد یعنی تعداد ۵۳ نفر دارای مدرک دیپلم و کمتر، حدود ۳۷درصد یعنی ۳۸ نفر دارای مدرک کارشناسی و حدود ۱۱درصد یعنی ۱۱ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و بیشتر بودند. در ابتدا پیش‌فرض‌های آماری با استفاده از آزمون کولموگروف‌اسمیرنوف بررسی شد و نرمالیتی داده‌ها به تأیید رسید ($p>0/05$). همچنین مدل اندازه‌گیری سه متغیر پژوهش تأیید شد. در این پژوهش ضریب همبستگی پیرسون نیز به‌کار رفت. به‌علاوه مدل اندازه‌گیری سه متغیر پژوهش با استفاده از شاخص‌های برازش داده‌ها، برآورد مستقیم با روش حداکثرنمایی و برآورد غیرمستقیم با روش بوت‌استرپ تأیید شد.

جدول ۱. ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای سبک‌های دلبستگی عاشقانه و روان‌رنجوری با روابط فرازناشویی

متغیر	ایمن	پریشان	گسسته	روان‌رنجورخویی	عشقی	جنسی	عاطفی	انگیزه‌های بیرونی	روابط فرازناشویی
ایمن	۱								
پریشان	۰/۳۲-	۱							
گسسته	۰/۳۷-	۰/۴۳	۱						
روان‌رنجورخویی	۰/۲۵	۰/۳۳	۰/۱۹	۱					
عشقی	۰/۱۷-	۰/۱۶	۰/۲۱	۰/۳۰-	۱				
جنسی	۰/۲۱-	۰/۲۶	۰/۱۵	۰/۲۷-	۰/۶۶	۱			
عاطفی	۰/۲۰-	۰/۲۰-	۰/۲۰	۰/۲۶-	۰/۴۸	۰/۵۹	۱		
انگیزه‌های بیرونی	۰/۲۶-	۰/۱۷	۰/۲۷	۰/۱۵-	۰/۶۰	۰/۵۰	۰/۵۶	۱	
روابط فرازناشویی	۰/۲۹-	۰/۲۷	۰/۲۸	۰/۳۱-	۰/۶۹	۰/۷۵	۰/۷۰	۰/۶۶	۱

باتوجه به نتایج مندرج در جدول ۱، همبستگی معناداری بین متغیرهای سبک‌های دلبستگی عاشقانه و روان‌رنجورخویی با روابط فرازناشویی وجود دارد.

جدول ۲. شاخص‌های برازش حاصل از تجزیه‌وتحلیل داده‌ها و متغیرها

صورت اختصاری	نام شاخص	مقدار به‌دست‌آمده
$\chi 2/df$	کای اسکوئر نسبی	۲/۷۴۸
RMSEA	ریشهٔ میانگین توان دوم خطای تقریب	۰/۰۴۲
GFI	شاخص برازندگی تعدیل‌یافته	۰/۹۹۳
NFI	شاخص برازش نرم	۰/۹۶۳
CFI	شاخص برازش مقایسه‌ای	۰/۹۵۷

باتوجه به جدول ۲ مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۴۲ است؛ لذا این مقدار کمتر از ۰/۱ است که نشان می‌دهد میانگین مجذور خطاهای مدل، مناسب و مدل پذیرفتنی است. همچنین مقدار کای دو به درجهٔ آزادی (۲/۷۴۸) بین ۱ و ۳ و میزان شاخص‌های GFI، CFI و NFI تقریباً برابر و بزرگ‌تر از ۰/۹ است؛ این مطلب نشان می‌دهد مدل اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، مدلی مناسب است.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.13.2]
[DOI: 10.29252/mejds.0.0.13]

جدول ۳. برآورد مستقیم مدل با روش حداکثر درست‌نمایی[1] (ML)

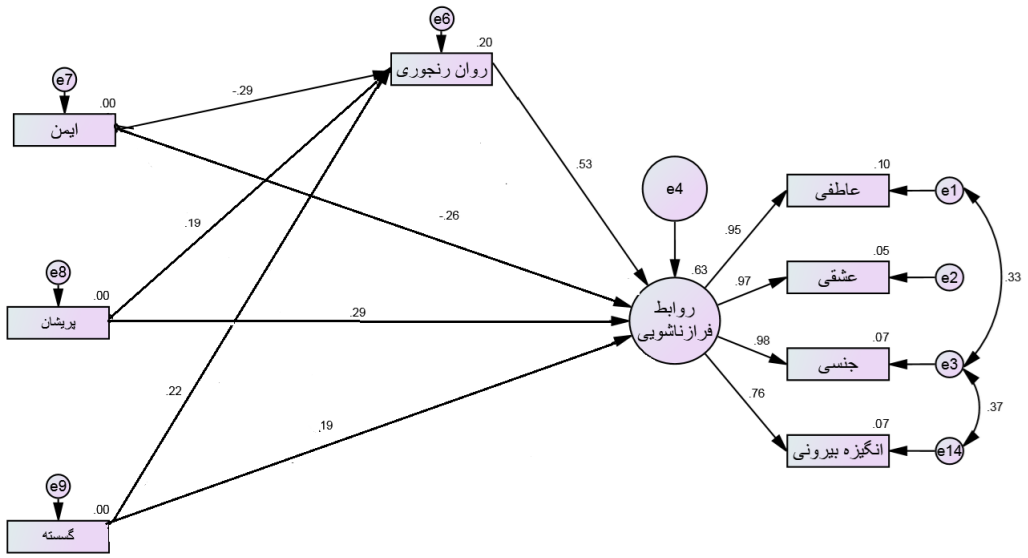
متغیر	میزان اثر استانداردنشده	میزان اثر استانداردشده	ضریب تعیین (R^2)	مقدار احتمال
ایمن بر روابط فرازناشویی	۰/۵۶۰-	۰/۲۶۴-	۰/۱۴۷	<۰/۰۰۱
پریشان بر روابط فرازناشویی	۰/۳۸۰	۰/۲۹۷	۰/۱۱۲	<۰/۰۰۱
گسسته بر روابط فرازناشویی	۰/۴۴۱	۰/۱۹۷	۰/۰۸۶	<۰/۰۰۱
روان‌رنجوری بر روابط فرازناشویی	۰/۲۱۹	۰/۱۸۷	۰/۰۴۰	<۰/۰۰۱

باتوجه به جدول ۳ مسیرهای سبک‌های دلبستگی عاشقانه و روان‌رنجوری اثر مستقیم و معناداری بر روابط فرازناشویی دارند.

جدول ۴. برآورد غیرمستقیم مدل با استفاده از روش بوت‌استرپ

متغیر	β	حد کمتر	حد بیشتر	مقدار احتمال
ایمن بر روابط فرازناشویی با میانجی‌گری روان‌رنجورخویی	۰/۳۵۹-	۰/۲۴۱-	۰/۴۸۹-	<۰/۰۰۱
پریشان بر روابط فرازناشویی با میانجی‌گری روان‌رنجورخویی	۰/۳۳۱	۰/۲۰۸	۰/۴۴۳	<۰/۰۰۱
گسسته بر روابط فرازناشویی با میانجی‌گری روان‌رنجورخویی	۰/۲۷۰	۰/۱۸۷	۰/۳۸۸	<۰/۰۰۱

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، از مسیر غیرمستقیم درنظرگرفته‌شده باتوجه به مقادیر استانداردشدهٔ (β) به‌دست‌آمده، مسیر سبک‌های دلبستگی عاشقانه با میانجی‌گری روان‌رنجورخویی بر روابط فرازناشویی دارای اثرات معناداری است و باتوجه به روش برآورد بوت‌استرپ تأیید شد.



شکل ۲. مدل نهایی آزمون‌شده به‌همراه آماره‌های پیش‌بینی استانداردشده

مطابق با شکل ۲، مشخص می‌شود که ۰/۶۳۱ از پراکندگی متغیر روابط فرازناشویی در مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم تحت‌تأثیر سبک‌های دلبستگی عاشقانه و روان‌رنجورخویی است.

۴ بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی روان‌رنجوری در رابطهٔ سبک‌های دلبستگی عاشقانه و روابط فرازناشویی در میان زوجین مراجعه‌کننده جهت طلاق بود. باتوجه به نتایج تحلیل انجام‌شده، سبک‌های دلبستگی عاشقانه بر روابط فرازناشویی با میانجی ویژگی شخصیتی روان‌رنجورخویی در زوجین مراجعه‌کننده برای طلاق اثر غیرمستقیم دارد. نتایج مذکور درجهت روابط این متغیرها با یافته‌های پژوهش هی و تسنگ (۴) و پژوهش علوی و همکاران (۲۲) همسوست. هی و تسنگ دریافتند الگوهای ارتباطی ناکارآمد و

[1]. Maximum likelihood (ML)

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.13.2]
[DOI: 10.29252/mejds.0.0.13]

نگرش‌های جنسی سوگیرانه در بین زوجین منجربه گرایش به روابط فرازناشویی با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی اجتنابی می‌شود (۴). علوی و همکاران در پژوهش خود نشان دادند که ابعاد شخصیتی ناسازگار با گرایش به روابط فرازناشویی و خیانت رابطه دارد و در این میان نقش مؤثر تجربهٔ روابط مثبت می‌تواند به‌عنوان یک میانجی‌گر اساسی در نظر گرفته شود (۲۲).

در تبیین یافتهٔ پژوهش حاضر می‌توان گفت، یکی از نیروهای محوری در روابط عاشقانه احساس تعهد است. تعهد بیانگر دلبستگی روانی و تمایل به ادامهٔ رابطه است. رضایت، کیفیت تنوع‌طلبی و سرمایه‌گذاری از عناصر اثرگذار در هر رابطه است. افراد روان‌رنجور و اشخاص دارای سبک دلبستگی اجتنابی، دارای ثبات احساسی کمتری هستند، به روابط کوتاه‌مدت‌تر می‌پردازند و میزان رضایت و تعهد آن‌ها عموماً کمتر است که درنهایت منجربه روابط فرازناشویی می‌شود. سبک دلبستگی ضمن اینکه زاییدهٔ ارتباطات است، ارتباطات را نیز شکل داده و هدایت می‌کند (۷). افراد روان‌رنجور در زندگی زناشویی از همسر خود نارضایتی دارند و این نارضایتی انگیزه‌ای برای مشروعیت در گرایش به روابط فرازناشویی می‌شود (۱۲). ترس از صمیمت، بدبینی به عشق و روابط عاشقانه، فاصله‌گیری هیجانی، اجتناب از رویارویی عاطفی، تمرکز بیشتر بر موضوعات شغلی و فعالیت‌های غیراجتماعی از ویژگی افراد با سبک دلبستگی اجتنابی است. این افراد به‌دلیل نیاز به حفظ فاصلهٔ هیجانی و نداشتن وابستگی، ناچیزانگاشتن ارزش شریک عشقی و داشتن نگرش‌های خودخواهانه و ابزاری به رابطهٔ جنسی، آمادگی بیشتری برای خیانت زناشویی دارند. نیاز به استقلال می‌تواند توجیهی برای رفتارهای فرازناشویی در افراد دارای دلبستگی اجتنابی باشد (۱۶). براساس نتایج تحقیق جینفریو و همکاران، عوامل شخصیتی به‌ویژه عامل روان‌رنجوری درمقایسه با عوامل اجتماعی بر رضایت زناشویی تأثیر عمیق‌تری دارد و هر فرد تاریخچهٔ شخصی و روان‌شناختی منحصربه‌فردی را در موقعیت زناشویی وارد می‌کند. این تاریخچهٔ الگوهای آموخته‌شدهٔ فرد، می‌تواند رضایت زناشویی را کاهش دهد و زمینه را برای ورود به روابط فرازناشویی فراهم کند (۵). نتایج این پژوهش با تحقیق شریفی و همکاران (۱۷) نیز همسوست. براساس تحقیق آن‌ها، افراد روان‌رنجور کمتر در روابط خود احساس خشنودی و رضایت دارند و احساس ناامنی می‌کنند و احتمال بیشتری وجود دارد که به‌صورت تکانشی رفتار کنند. چنین افرادی به احتمال بیشتری گرایش به روابط فرازناشویی دارند. مشروعیت در خیانت شامل بودن در رابطهٔ عاشقانه‌ای است که همسر فرد همراهی و صمیمیت نشان نمی‌دهد یا بی‌تفاوت است. با این تفکر که رابطهٔ فعلی با همسر اشتباه است و ندیدن آینده‌ای برای این رابطه، مشروعیت در خیانت برای زنان علت معقول‌تری است و این مطلب با دیدگاه تکاملی باس[1] ارائه‌شده در سال ۱۹۹۵، مطابقت دارد (۲۴). براساس این دیدگاه، سازوکارهای روانی تکامل‌یافته برحسب دروندادها، به‌عنوان قواعد تصمیم‌گیری و برونداد معینی که از آن‌ها حاصل می‌شود، شناخته می‌شوند. این نظریه بیان می‌کند که مردان و زنان با فریب‌های متفاوتی در روابط بین‌جنسی خود دست‌وپنجه نرم می‌کنند. زنان به‌عنوان افراد احساسی در برابر خیانت عاطفی آشفتگی بیشتری از خود نشان می‌دهند. از سوی دیگر، مردان در برابر خیانت جنسی و دروغ، آشفتگی زیادی را تجربه می‌کنند (۲۵). همچنین مشروعیت خیانت در زنان به این دلیل است که آن‌ها به‌دنبال تعهد بیشتری در یک رابطه هستند (۲۶).

این پژوهش با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود؛ ازجمله محدودکردن پژوهش به زوجین مراجعه‌کننده جهت طلاق به مراکز مشاورهٔ ادارهٔ دادگستری در مناطق ۱، ۲، ۳ و ۴ شهر تهران، محدودبودن به زمان اجرای پژوهش در سال ۱۳۹۸ و استفاده از پرسشنامهٔ خودگزارش‌دهی. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حیطه در حوزه‌های گسترده‌تر و با نمونه‌هایی از جوامع مختلف و بزرگ‌تر انجام پذیرد تا نتایج، قابلیت تعمیم بیشتری داشته باشد. همچنین توجه به توان پیش‌بینی روابط فرازناشویی توسط متغیر صفت شخصیتی روان‌رنجوری توصیه می‌شود که در مرحلهٔ نخست افراد دارای عقاید مثبت و گرایش به روابط فرازناشویی قبل از مشاورهٔ ازدواج شناسایی شوند.

۵ نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد، بین سبک‌های دلبستگی عاشقانه و صفت شخصیتی روان‌رنجوری با روابط فرازناشویی رابطهٔ معناداری وجود دارد. همچنین در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز جهت طلاق، صفت شخصیتی روان‌رنجوری در رابطهٔ بین سبک‌های دلبستگی عاشقانه با روابط فرازناشویی نقش میانجی ایفا می‌کند؛ بنابراین باید به ویژگی‌های شخصیتی افراد در کاهش میزان طلاق توجه داشت. مشاوران و روان‌شناسان می‌توانند از نتایج این مطالعه به‌منظور کمک به زوجین در کاهش آسیب به روابط آن‌ها، کاهش خیانت، افزایش مهارت‌های زندگی و رسیدن به آرامش استفاده کنند.

۶ تشکروقدردانی

نویسندگان از تمامی زوجین شرکت‌کننده در پژوهش بابت همکاری در این پژوهش تشکر می‌کنند.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیهٔ اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله حاصل رسالهٔ دکتری نویسندهٔ اول در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری در رشتهٔ روان‌شناسی عمومی است. همچنین پژوهش حاضر با کد اخلاق IR.IAU.AK.REC.1397.024 در دانشگاه واحد ساری در تاریخ ۹آذر۱۳۹۷ به ثبت رسیده است. به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی در پژوهش به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آنان محرمانه می‌ماند و و امکان خروج از مطالعه در هنگام تمایل فرد و رضایت آن‌ها وجود داشت.

رضایت برای انتشار

این امر غیر قابل اجرا است.

تزاحم منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافعی ندارند.

[1]. Buss

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.13.2]
[DOI: 10.29252/mejds.0.0.13]

References

1. Pronk TM, Karremans JC, Wigboldus DHJ. How can you resist? Executive control helps romantically involved individuals to stay faithful. J Pers Soc Psychol. 2011;100(5):827–37. doi: 10.1037/a0021993
2. Negash S, Sheppard NVN, Lambert NM, Fincham FD. Trading later rewards for current pleasure: pornography consumption and delay discounting. J Sex Res. 2016;53(6):689–700. doi: 10.1080/00224499.2015.1025123
3. Marín RA, Christensen A, Atkins DC. Infidelity and behavioral couple therapy: Relationship outcomes over 5 years following therapy. Couple and Family Psychology: Research and Practice. 2014;3(1):1–12. doi: 10.1037/cfp0000012
4. He S, Tsang S. Perceived female infidelity and male sexual coercion concerning first sex in Chinese college students' dating relationships: The mediating role of male partners' attachment insecurity. Personality and Individual Differences. 2017;111:146–52. doi: 10.1016/j.paid.2017.02.016
5. Jeanfreau MM, Jurich AP, Mong MD. Risk factors associated with women's marital infidelity. Contemp Fam Ther. 2014;36(3):327–32. doi: 10.1007/s10591-014-9309-3
6. Hojatkhah M, Mohammadi M, Valadbaygi P. The relationship between attachment styles, personality traits, and forgiveness to the attitude towards extramarital relations in the married couples of the city of Kermanshah. Women's Studies Sociological and Psychological. 2017;14(4):209–28. [Persian] 10.22051/jwsps.2017.9301.1171
7. Rezvanizadeh A, Aslani Katouli E. Pishbini ravabet farazanashouie az rouye sabkhaye delbastegi ezzat nafs va mizan khodshiftegi dar beyn daneshjouyan moteahel [Predicting extramarital relationships from attachment styles, self-esteem, and narcissism among married college students]. Journal of Recent Advances in Behavioral Sciences. 2016;1(2):31–42. [Persian] http://ijndibs.com/browse.php?a_id=33&sid=1&slc_lang=en
8. Fincham FD, May RW. Infidelity in romantic relationships. Current Opinion in Psychology. 2017;13:70–4. doi: 10.1016/j.copsyc.2016.03.008
9. Barbaro N, Pham MN, Shackelford TK, Zeigler-Hill V. Insecure romantic attachment dimensions and frequency of mate retention behaviors. Personal Relationships. 2016;23(3):605–18. doi: 10.1111/pere.12146
10. Arianfar N, Arianfar N. Structural Equation Modeling of the predicting marital conflict on the basis of initial maladaptive schemas of the cuts and rejection areas and the mediatory variable of the lovemaking styles. Counseling Culture and Psycotherapy. 2017;8(29):107–34. [Persian] doi: 10.22054/qccpc.2017.20080.1470
11. Parker ML, Campbell K. Infidelity and attachment: the moderating role of race/ethnicity. Contemp Fam Ther. 2017;39(3):172–83. doi: 10.1007/s10591-017-9415-0
12. Ghasemi B, Sharifi Y, Sharifi K. The role of sexual function and experience emotional breakdown in tendency toward relationships Extra-marital. Rooyesh-e- Ravanshenasi Journal. 2017;6(1):45–68. [Persian] http://frooyesh.ir/article-1-319-en.pdf
13. Kline RB. Principles and practice of structural equation modeling. 3rd ed. New York: Guilford Press; 2010.
14. Loehlin, JC. Latent variable models: an introduction to factor, path, and structural equation analysis. New York: Psychology Press; 2004.
15. Ghasemi V. Estimation of optimum sample size in structural equation modeling assessing its adequacy for social researchers. Iranian Journal of Sociology. 2012;12(4):138–61. [Persian] http://www.jsi-isa.ir/article_24095_40b1d8a0d74bb7a8ba1b926a2327cab5.pdf?lang=en
16. Glass SP, Wright TL. Justifications for extramarital relationships: The association between attitudes, behaviors, and gender. Journal of Sex Research. 1992;29(3):361–87. doi: 10.1080/00224499209551654
17. Sharifi M, Haji Heidari M, Khoroush F, Fatehizadeh M. Correlation between love schemas and justifications for extramarital involvement in married women. Journal of Research in Behavioural Sciences. 2013;10(6):526–34. [Persian] https://rbs.mui.ac.ir/article-1-285-en.pdf
18. Furman W, Wehner EA. The Behavioral Systems Questionnaire – Revised. University of Denver; 1999.
19. Amanelahi A, Aslani Kh, Tashakor H, Ghavabesh S, Nekoei S. Romantic Attachment/Love Styles and Marital Satisfaction in Women: Investigating the Relationship. 2012;10(3):68-86. doi: 10.22051/JWSPS.2012.1419
20. Costa PT Jr, McCrae RR. Revised NEO Personality Inventory (NEO-PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) professional manual. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources; 1992.
21. McCrae RR, Costa PT Jr. A contemplated revision of the NEO Five-Factor Inventory. Personality and Individual Differences. 2004;36(3):587–96.
22. Alavi M, Kye Mei T, Mehrinezhad SA. The Dark Triad of personality and infidelity intentions: The moderating role of relationship experience. Personality and Individual Differences. 2018;128:49–54. doi: 10.1016/j.paid.2018.02.023
23. Ghasemi V. Modelsazi moadele sakhtari dar pazhoohesh–haye ejtemaie ba karbord Amos–Graphics [Structural equation modeling in social research using Amos– Graphics]. Tehran: Sociology Publications; 2010. [Persian]
24. Drigotas SM, Safstrom CA, Gentilia T. An investment model prediction of dating infidelity. Journal of Personality & Social Psychology. 1999;77:509-24. https://doi.org/10.1037/0022-3514.77.3.509
25. Heidaripour SH, Aman Elahi A. Vizhegi-haye shakhsiyati va angize-haye khiyanat ba gerayesh be khiyanat dar barrasiye rabete-ye beyne zanane moteahele shahre Ahvaz. [Personality traits and motives of infidelity with a tendency to infidelity in examining the relationship between married women in Ahvaz]. Paper presented at the Fourth National Conference on Counseling and Mental Health, Quchan; 2016. https://en.civilica.com/doc/620835/
26. Whisman MA, Wagers TP. Assessing relationship betrayals. J Clin Psychol. 2005.61(11);1383-91. https://doi.org/10.1002/jclp.20188

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.13.2]

[DOI: 10.29252/mejds.0.0.13]